

روایات امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر قرآن براساس «مسند الإمام الصادق علیه السلام»

سید محمدعلی لیاذی

به پاس پنجاه سال تلاش و تحقیق استاد عطاردی

چکیده

از معصومان علیهم السلام در تفسیر و توضیح آیات قرآن، روایات فراوانی به دست ما رسیده است. در این میان، روایات منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام در مقایسه با دیگر معصومان از تعداد بیشتری برخوردار است.

نویسنده این مقال، با استفاده از مجلدات ششم و هفتم و هشتم کتاب مسند الإمام الصادق علیه السلام اثر استاد عزیزالله عطاردی، به بررسی این روایات و گونه‌های آن پرداخته است. وی روایات تفسیری امام صادق علیه السلام را تحت ده عنوان تقسیم‌بندی نموده است:

۱. شرح واژگان؛ ۲. شرح مفاد کلمه؛ ۳. شرح جمله و مفاد کلمه؛ ۴. زدودن شبهه و تصحیح بدفهمی نسبت به قرآن؛ ۵. تأویل آیات؛ ۶. تعیین مصداق و مصادیق؛ ۷. تبیین معارف اعتقادی؛ ۸. توجه به پیام و اهداف تربیتی؛ ۹. توضیح قصص قرآن؛ ۱۰. توجه به لایه‌های باطنی.

مقدمه

از امام صادق علیه السلام روایات فراوانی از طریق منابع حدیثی شیعه درباره تفسیر قرآن نقل شده است. کافی است که به مسند الإمام الصادق محقق معاصر عزیزالله عطاردی جلدی ششم، هفتم و هشتم مراجعه شود که بخش قرآن و تفسیر این مسند را تشکیل می‌دهد تا معلوم شود که تعداد این روایات در مقایسه با روایات منقول از دیگر معصومان از چه حجمی برخوردار است. درباره منابع و طریق‌های دیگر چون کتاب‌های عرفانی و گردآوری‌های مستقل منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام سخن‌های بسیار است. به عنوان نمونه می‌توان از دو کتاب ظاهراً تفسیری منسوب به ایشان یاد کرد، یکی تفسیر جعفر الصادق که توسط علی زی‌عور گردآوری و تحقیق و توسط مؤسسه عزالدین للطباعة و النشر چاپ شده است. و دیگری تفسیر جعفر الصادق به تحقیق پول نويا که ظاهراً گردآوری شده از اصل حقائق التفسیر ابو عبدالرحمن سلمی (۳۲۵-۴۱۲ق) است و سلمی با تعبیر تردیدآمیز نقل می‌کند: «ذكر أنّها عن جعفر بن محمد»^۱ و به صورت مرسل گزارش شده است.

البته پیش از پل نويا، لوی ماسینیون نخستین مستشرقی است که آثار تفسیری امام صادق علیه السلام در کتاب حقائق التفسیر برجسته و درباره منابع آن سخن گفته است،^۲ اما اخیراً گرهارد باورینگ تفسیر سلمی و زیادات حقائق التفسیر را تحقیق و روایات

۱. گویا همه موارد جعفر بن محمد، امام جعفر صادق امام ششم شیعیان نباشد و برخی آنها استاد سلمی جعفر بن محمد خالدی (م ۳۴۸ق) باشند؛ اما با قرائن و تحقیق می‌توان میان این دو نام تمایز قائل شد، و انگهی برخی منقولات کتاب در منابع حدیثی شیعه موجود است. ر.ک: حقائق التفسیر، ج ۱، ص ۲۱-۲۲. درباره این تفسیر و چند و چون آن ر.ک: مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی، ج ۱، ص ۹؛ مکتب تفسیر اشاری، ص

۸۳-۸۶؛ تفسیر قرآنی به زبان عرفانی، ص ۱۳۱.

۲. مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی، ج ۱، ص ۹.

منسوب به امام صادق علیه السلام را در این تفسیر که ۲۱۱ نقل تفسیری است، مورد توجه قرار داده است.

آقای محمد کاظم رحمتی^۱ بر آن است تا نشان دهد که حداقل بخشی از آنچه به نام تفسیر امام صادق در متون عرفانی، مخصوصاً آثار ابو عبد الرحمن سلمی مشهور است، تحریری از اثر شیعی مشهور به نام صحیفه الرضا به شمار می رود. شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) این صحیفه را در کتاب عیون أخبار الرضا آورده است. گفته شده این روایات، از طریق علی بن موسی الرضا به امام جعفر بن محمد صادق منتهی می شود. نکته پایانی که از این محقق آورده، آن است که روایات صوفیانه امام صادق علیه السلام پیش از سلمی در محافل صوفیانه عراق تداول داشته و کاری که وی انجام داده، انتقال این روایات به محافل صوفیانه خراسان بوده و با وجود آن که عالمان امامی به طریق های دیگر روایت این کتاب، آشنا بوده اند، ظاهراً هیچ گاه از تحریر صوفیانه این اثر که به دست سلمی تدوین نهایی یافته، بهره نبرده اند.^۲

از سوی دیگر، تفسیر نعمانی و در برخی تغییرها رساله محکم و متشابه که علامه مجلسی آن را در جلد نود بحار الانوار آورده و به صورت مستقل هم چاپ شده، روایاتی است که به امام جعفر صادق علیه السلام نسبت داده شده است.^۳

به هر حال با چنین نوشته و سخن هایی از تفسیر امام صادق علیه السلام مواجه هستیم و آنچه مد نظر این نوشته است، روایاتی است که در مجامع روایی شیعه نقل شده و آقای عطاردی با ترتیب رایج با عنوان کتاب تفسیر در مسند الإمام صادق نقل کرده است.

این روایات شامل مطالبی است که به طور مشخص آن حضرت از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام

۱. کتاب ماه دین، شماره ۷۰-۷۱، ص ۶۱.

۲. کتاب ماه دین، شماره ۷۰-۷۱، شهریور ۱۳۸۲، ص ۶۵.

۳. دانش نامه جهان اسلام، ج ۷، ص ۶۸۳.

علی و امام باقر علیهما السلام نقل کرده یا حضرت بدون اسناد، آن را بیان می‌کند. این روایات شامل سه بخش است:

۱. روایاتی که در باب جایگاه و فضیلت قرآن رسیده و مسلمانان را به تحفظ، انس و تدبیر قرآن تشویق می‌کند و اهمیت قرآن را در زندگی نشان می‌دهد؛
 ۲. روایاتی که در موضوعات علوم قرآنی مانند ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، اسباب نزول، جمع قرآن و خواص قرآن رسیده است؛
 ۳. دسته آخر، روایاتی است که در تفسیر آیات رسیده و به ترتیب سوره‌ها و آیات طبق مصحف شریف تنظیم شده است.
- نویسنده در این مقاله بر آن است تا میراث تفسیری آن حضرت را توصیف و تحلیل کند و ویژگی‌ها و گونه‌های تفسیری امام صادق علیه السلام را شرح دهد و در هر قسمت نمونه‌ای از روایات تفسیری را نقل کرده و اهمیت آن را در توسعه مفهومی و بازکردن فضای کشف معانی ذکر کند. پیش از ورود در سخن لازم است نکاتی کلی یادآوری شود.

۱. آنچه در این مجموعه مطرح شده، تفسیر مأثور است، یعنی آموزه‌های پیامبر و امامان در توضیح و تفصیل و پرده‌برداری از معانی و معارف قرآن گزارش شده و همه ویژگی‌های تفسیر مأثور را دارد و در برابر تفسیرهای دیگر چون تفسیر اجتهادی و عقلی و متکی به منقولات صحابه و تابعین است. و بر فرض صحت و اتقان سند از حجّیت خاص خود برخوردار است.

۲. این روایات از منابع گوناگون نقل شده و از نظر دقت ضبط، اسناد و تاریخ ضبط روایت و راویانی که آنها را نقل می‌کند چندگانگی دارند. برخی از این روایات در مجامع معتبر روایی شیعه چون الکافی، تهذیب الأحکام و من لایحضره الفقیه نقل شده و یا چون کتاب المحاسن برقی و عیون اخبار الرضا صدوق و معانی الأخبار آمده،

اما برخی روایات از کتاب‌هایی چون تفسیر عیاشی و بصائر الدرجات و احتجاج طبرسی و تفسیر قمی نقل شده که درباره آن سخن‌ها است. برخی از منابع آن، کتاب‌های حدیثی اهل سنت مانند مصنف ابن ابی شیبہ، تاریخ بغداد، تفسیر سفیان ثوری و شواهد التنزیل از منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت است و برخی از منابع آن از منابع دست دوم به حساب می‌آید، مانند بحار الأنوار مجلسی.

۳. بررسی و سخن درباره روایات تفسیر امام صادق علیه السلام در قلمرو تفسیر پژوهی و گونه‌شناسی است و مباحث سندی این روایات مد نظر نبوده و نیست و کار مستقلاً را می‌طلبد و در تحلیل و ارزیابی محتوای آن از این جنبه لحاظ نشده است. به همین دلیل گاهی برای استناد و استدلال به روایتی از رساله محکم و متشابه، روایات تفسیر علی بن ابراهیم و تفسیر فرات استناد شده است بدون آن‌که اشکالات سندی و حجیت آنها مورد غفلت قرار گیرد. همچنین برخی از این روایات به صورت مرسل نقل شده، مانند روایت مرسلی که طبرسی در مجمع البیان نقل می‌کند و منابع آنها مشخص نیست، یا در تفسیر عیاشی آمده و اسناد آن حذف شده است و یا مجلسی از منابعی نقل می‌کند که جای چون و چرا دارد.

۴. در طرح و بررسی این روایات، آسیب‌های تفسیر اثری مورد توجه بوده و در آن‌جا که جنبه ساختگی آن روشن بوده، چون روایات اسرائیلی، روایات مشتمل بر غلو و خرافات در بحث گونه‌شناسی مورد استناد قرار نگرفته‌اند و چون در این مقاله در مقام معرفی این آثار به صورت کلی بوده، نیازمند این واری‌ها نیست و تنها در صورتی جای توجه دارد که بنابر استناد به یک روایت خاص باشد، اما بدون شک در تفسیر ماثور یکی از مشکلات که همچنان باقی می‌ماند و لازم است مانند روایات فقهی نقد و بررسی و پالایش شوند، روایات اسرائیلی، روایات مشتمل بر غلو و خرافات و دخیل است، که این کار هر چند در این اواخر و دیر هنگام انجام گرفته، گران‌قدر است.

بنابراین باتوجه به این نکات، روایات تفسیری امام صادق علیه السلام مورد بررسی قرار می‌گیرد و انواع و دسته‌بندی و گونه‌ها و موضوعات این روایات معرفی می‌شوند.

گونه‌های روایات تفسیری

با پذیرش این نکته که از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیات، روایات گوناگونی نقل شده که چند گونه هستند، می‌توان این چندگانگی را در ابعاد زیر تفهیم‌بندی کرد:

۱. شرح واژگان

گونه‌ای از این روایات در شرح واژگان و معانی لغوی کلمات قرآنی رسیده است. تفسیر لفظی و لغوی قرآن و به‌طور خاص تفسیر غرائب قرآن از هنگام نزول قرآن مورد توجه صحابه بوده است. آنان هرچه که به واژه‌ای بر می‌خوردند که ناآشنا به نظر می‌رسید، از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پرسیدند و یا به دیوان اشعار شاعران مراجعه می‌کردند و یا به استعمال آن در میان اهل بادیه می‌رفتند. نمونه این مراجعه را می‌توان در کتاب مسائل نافع بن ازرق از ابن عباس دید که روایت‌های گوناگونی از آن شده است.^۱ این شیوه تبیین واژگان، تفسیر قرآن نیست، اما مقدمه‌ای برای فهم و کشف پیام الهی را تشکیل می‌دهد. امام صادق علیه السلام در این روایات در توضیح واژگان به دو جنبه از شرح واژه پرداخته‌اند، گاهی تبیین واژه جنبه ظاهری و لفظی دارد و در جهت آگاه کردن شیوه محاوره عرب و استعمال آن است، و گاهی در جهت تفسیر کلمه و توجه دادن به معنایی خاص است. مثلاً در روایتی در ذیل آیه «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَيَّ عُنُقًا

۱. این روایت‌ها هم در کتاب صحیح البخاری، «کتاب التفسیر» آمده و به صورت مستقل با عنوان معجم غریب القرآن المستخرج من صحیح البخاری توسط محمد فؤاد عبدالباقی تحقیق شده و سیوطی در الاتقان، ج ۲، ص ۳، نوع ۳۶ آن را نقل کرده است. همچنین به صورت کتابی مستقل توسط السامرائی تحقیق شده و خانم بنت الشاطی نیز آن را در ذیل کتاب الإعجاز الیانی تحقیق و نشر داده است و آقای حسین صابری با عنوان اعجاز بیانی قرآن ترجمه و بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی آن را منتشر کرده است.

وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا^۱، محسور و احسار را که به معنای حسرت زده ترجمه می شود و معنایش این است که در انفاق کردن چنان گشاده دستی منما که ملامت شده و حسرت زده برجای مانی، حضرت به برهنگی و عریانی معنا می کنند و در نتیجه معنای آیه چنین می شود که در انفاق کردن چنان گشاده دستی منما که دچار برهنگی و درماندگی شوی. و املاق را در آیه «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ»^۲ را فقر و گرسنگی.^۳ اما تفاوتی که میان این دو نوع لغت شناسی وجود دارد، در اولی تفسیر واژه است، چون محسور به همان معنای حسرت زده است، اما حضرت به علت حسرت توجه داده که یکی از آنها می تواند بخشش تا حد برهنگی و عریان شدن باشد، در صورتی که حسرت زدگی مصادیق دیگری هم می تواند داشته باشد، چون فقر و گرسنگی، درماندگی، فشار و محدودیت، ملامت همسر و فرزندان.

اما در کلمه املاق، اگر تنگدستی معنا کنیم، یا فقر و گرسنگی، شرح الفاظ و توجه دادن به واژگان است و تفاوتی میان لغت با حدیث نیست. و حضرت به همان معنای لغوی توجه می دهند.

نمونه دیگر از موارد شرح لفظی نقل شده از امام در توضیح کلمه توسم در آیه «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ»^۴ است. قال: المتفرسون.^۵ متوسم در لغت به معنای هوشیاران معنا شده است.^۶ اما حضرت به افراد زیرک معنا کرده اند که میان زیرکی و هوشیاری تفاوت چندانی نیست، اما نکته قابل توجه بیان این گونه از تفسیرهای واژه شناسی است.

۱. سورة اسراء، آیه ۲۹.

۲. سورة اسراء، آیه ۳۱.

۳. مسند الایمام صادق، ج ۷، ص ۱۹۷؛ نورالقلین، ج ۳، ص ۱۵۷، ح ۱۷۵.

۴. سورة حجر، آیه ۷۵.

۵. همان، ص ۱۹۳.

۶. راغب اصفهانی می نویسد: أي للمعتبرين، العارفين، المتعظين. ر.ک: مفردات القرآن، ماده وسم، ص ۸۷۱.

نمونه دیگر از این‌گونه شرح واژگان، فروغ اللغة یاد کرد، تفاوت میان دو واژه نزدیک به هم است. فروغ اللغة، یکی از گرایش‌های دیرین واژه‌شناسی است. به عنوان نمونه دو کلمه «فقیر» و «مسکین» معنایی نزدیک به هم دارد؛ اما چون در قرآن با هم آمده است: «إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ»^۱ این پرسش مطرح است که: تفاوت میان این دو کلمه چیست؟ حضرت می‌فرمایند: فقیر کسی است که به مردم اظهار نیاز نمی‌کند و مسکین کسی است که حالش از فقیر سخت‌تر باشد و [از مردم] سؤال [و درخواست] می‌کند.^۲ ذکر این تفاوت هم جنبه تفسیری دارد تا روشن شود که در قرآن مترادف به کار نرفته و معانی مختلفی در نظر است. جنبه فقهی هم دارد که اگر امر دائر میان فقیر و مسکین شد، باید نوعی ترتب در پرداخت زکات، رعایت شود. نمونه دیگر بیان تفاوت میان سرّ و خفی در آیه: «يَعْلَمُ السِّرَّ وَالْخَفَى»^۳ از آن حضرت است که می‌فرماید: «سرّ، آن چیزی است که در درون خود پنهان کنی و خفی، آن چیزی است که به ذهن تو می‌رسد و فراموش می‌کند»^{۴، ۵}.

البته گاهی شرح واژگان، در مقام بیان مصداق است، چنان‌که از آن حضرت درباره آیه: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا»^۶ که معنایش این است که سبکبار و گرانبار کوچ کنید، پرسیده می‌شود که معنایش چیست؟ حضرت می‌فرماید: «شباباً و شیوخاً»^۷ چه جوان باشید یا پیرمرد، برای جهاد فی سبیل الله کوچ کنید». بی‌گمان سبکباری به معنای جوانی

۱. سورة توبه، آیه ۶۰.

۲. مسند الامام الصادق، ج ۷، ص ۴۹ به نقل از دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۶۵.

۳. سورة طه، آیه ۷. ۴. همان، ص ۲۷۵.

۵. نمونه‌ای دیگر در دو کلمه «باغ» و «عاد» در آیه «فَمَنْ أَضَلُّ مِنْ بَاغٍ وَلَا عَادٍ» سورة بقره، آیه ۱۷۳ است که حضرت فرق آنها را بیان می‌کند. ر.ک: نورالقلین، ج ۱، ص ۱۵۵.

۶. سورة توبه، آیه ۴۱. ۷. مسند الامام الصادق، ج ۷، ص ۵۰.

نیست؛ اما می‌تواند مصداق این واژه باشد. همچنین گرانباری و ثقیل بودن، یکی از مصداقی‌ش پیری، کهولت و ضعف و سستی است.

۲. شرح مفاد کلمه

گونه‌ای از روایات امام صادق علیه السلام در تبیین مفاد کلمه است. حضرت در این دسته از روایات در مقام بیان لغت نیست. کلمه را شرح می‌دهد، مثلاً در قرآن دو بار کلمه طوفان آمده است.^۱ طوفان و طیفون از یک ریشه است و به هر چیزی که فراگیر شود، گفته می‌شود و معمولاً برای باران‌های سخت و سهمگین و تشکیل امواج هولناک به کار گرفته می‌شود،^۲ اما وقتی از امام صادق علیه السلام درباره طوفان و مفاد این کلمه می‌پرسند، حضرت می‌فرماید: «هو طوفان الماء والطاعون».^۳ یعنی به مفاد لغوی کلمه توجه می‌دهد و شامل بیماری‌های فراگیر و کشنده هم می‌داند و از معنای رایج کلمه فراتر می‌رود.

نمونه دیگر از شرح مفاد کلمه، معنای: يوم التناد در آیه «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ»^۴ است. معنای کلمه روز ندا دادن مردم به یکدیگر است، اما حضرت شرح بیشتری می‌دهد و می‌فرماید: «وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ».^۵ روزی که اهل جهنم بهشتیان را ندا می‌دهند که بر ما، آبی افاضه کنید. یعنی عینیت روز قیامت و ویژگی آن را بیان می‌کنند.

در روایات امام صادق علیه السلام این‌گونه از بیان شرح کلمه که فراتر از معنای لغوی پیش رفته بسیار است و در حقیقت تفسیر لغوی قرآن می‌باشد.^۷

۱. سورة اعراف، آیه ۱۳۳؛ سورة عنکبوت، آیه ۱۴. ۲. فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۲۴۰.

۳. مسند الإمام الصادق، ج ۶، ص ۵۶۲، ح ۳۸، به نقل از تفسیر عیاشی.

۴. سورة غافر، آیه ۳۲. ۵. سورة اعراف، آیه ۵۰.

۶. مسند الإمام الصادق، ج ۶، ص ۵۶۱.

۷. به عنوان نمونه ر.ک: مسند الإمام الصادق، ج ۷، ص ۱۶۰، ۴۴۵ و ج ۸، ص ۲۷، ۶۵.

۳. شرح جمله و مفاد کلمه

گونه‌ای دیگر از تفسیرهای منقول از امام صادق علیه السلام، مواردی است که به‌جای بیان واژگان و تفسیر لغوی، در شرح جمله و برداشتن اجمال و ابهام در کلام است. مانند چندین روایتی که از حضرت در شرح جمله «أَلَزَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ أَسْتَوَى»^۱ رسیده است که می‌فرماید: «استوی من کلّ شیء فلیس شیء هو أقرب إلیه من شیء»^۲ خدای رحمان از هر جهت، بر عرش استیلا دارد، پس چیزی نیست که نزدیک‌تر به او باشد».

نمونه دیگر در تفسیر این جمله است: «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ»^۳ و کسانی که آنچه را دارند، می‌دهند در حالی که دل‌هایشان ترسان است و می‌دانند که به سوی پروردگارشان باز خواهند گشت. طبق روایت برقی در المحاسن، امام صادق علیه السلام «يُؤْتُونَ مَا آتَوْا» را به يعملون ما عملوا من عمل و هم يعلمون انهم یثابون علیه،^۴ تفسیر می‌کند، دادن را به انجام دادن چیزهایی که شرایط برای آنها فراهم شده می‌داند، در حالی که این گروه می‌دانند که کارهای آنان پاداش داده می‌شود و خشیت و نرمی به خاطر علم آنان به عاقبت کار و آینده روشن است.^۵

۴. زدودن شبهه و تصحیح بدفهمی نسبت به قرآن

بی‌گمان یکی از مسئولیت‌های اهل بیت علیهم السلام پاسخگویی به شبهات بوده است. آنان با تمام سختی و دشواری و شکنندگی انزوا، افزون بر روش ایجابی در بیان آیات، به تصحیح حرکت تفسیر و زدودن شبهات از آیات برآمده‌اند. آنان با مخالفت با تفسیرهای غلط و شیوه‌های مخالف با قواعد تفسیر، مانند تفسیر به رأی و تقطیع

۱. سوره طه، آیه ۵. ۲. مسند الامام الصادق، ج ۷، ص ۲۷۵، ح ۱۴-۱۶.

۳. سوره مؤمنون، آیه ۶۰.

۴. مسند الامام الصادق، ج ۷، ص ۳۰۸. به نقل از المحاسن برقی، ص ۲۴۷ و ۲۴۹.

۵. نمونه‌های دیگر در جمله «أَتَقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» و «خَبِيفًا مُّسْلِمًا». ر.ک: همان، ج ۶، ص ۳۸۱، ح ۲۲ و ۲۳.

کردن آیات و بی توجهی به آیات ناسخ و منسوخ و حمله بر نقل و داخل کردن اسرائیلیات در روایات، راه تفسیر صحیح را هموار ساختند.^۱ بخشی از این روایات از امام صادق علیه السلام رسیده که نشان می دهد یکی از جایگاه های انحصاری آنان در هدایت به تفسیر و تصحیح بدفهمی نسبت به قرآن است. نهی امام صادق علیه السلام از تفسیرهایی که به سیاق آیات توجه نشود، یا از قیاس خاص (دستیابی علل واقعیۀ احکام شرعی از طریق عقل برای معیار قرار دادن صحت نصوص شرعی) یا به محکم و متشابه آن توجه نشود، نمونه ای از راهنمایی های حضرت نسبت به تصحیح حرکت تفسیر است، چنان که جهت فهم صحیح و پیشگیری از بدفهمی معانی کلمات: احد، صمد، هدایت و ضلالت، مفهوم کرسی، صراط، ابتلای به کلمات، معنای رجس و غیب و شهادت و ده ها کلمه قرآنی در این جهت تفسیر شده اند.^۲

نمونه دیگر، در تفسیر آیاتی است که شبهه جبر در آنها آمده مانند: «مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ» و آیه «وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ» و آیه «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ» است.^۳

۵. تأویل آیات

گونه ای دیگر از روایات امام صادق علیه السلام، تأویل آیات و راه بردن به معانی ای غیر از ظاهر الفاظ و توجه دادن به فراسوی معانی است. در تأویل، یکی از لایه های چندگانه نص، کشف می شود و کشف بخشی از حقایق و فرجام سخن از طریق تأویل فرصتی است برای کاوش متن که علم آن به بشریت ارمان داده شده و به تدریج به آن برسد و

۱. به عنوان نمونه ر.ک: تفسیر مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۳۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۶۸ و ج ۴، ص ۴۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۰.

۲. ر.ک: معانی الأخبار صدوق، ص ۴، ۶، ۲۰، ۲۹، ۳۲، ۹۳، ۱۱۵، ۱۲۶، ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۹۲، ۲۱۳ و ۲۹۴.

۳. مسند الإمام الصادق، ج ۷، ص ۲۵۶، ح ۶۳.

فراخی ذهن در حوزه معارف دینی پیدا کند. این‌گونه نیست که فقط خداوند بداند و بس و دیگران در مرتبه‌ای از آن بی‌بهره باشند و گرنه نزول قرآن و قصد آن معانی لغو می‌شود و توجه بر لایه‌های زیرین حاصل نمی‌گردد. آنچه در آیه هفتم سوره آل عمران بیان شده و از آن نهی شده تنها تأویل قرآن نیست، تأویل آیه به انگیزه فتنه‌جویی و ضرب قرآن به قرآن به جای شاهد آوردن قرآن به قرآن است.^۱ با آن‌که معنای درست آن را می‌دانند و می‌توانند کشف کنند. واژه ابتغاء الفتنه، در این آیه، گویایی این نکته است که تأویل کنندگان خود می‌دانند تأویل شان با مراد خداوند مغایر است، اما این عمل را بر انگیزه باطل تغییر می‌دهند.

به هر حال، یکی از وجوه تفسیری امام صادق علیه السلام - که موارد آن هم کم نیست - تأویل جمله‌ها و آیات است. وقتی امام صادق علیه السلام بر طبق روایت کلینی آیه شریفه: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً»^۲ را تفسیر می‌کند، «شَيْئاً مَّذْكُوراً» را به «کان مقدراً غیر مذکور»^۳ تأویل می‌برد و معنایش چنین می‌شود: انسان آن هنگام از روزگار، چیزی تقدیر شده بود، اما در خور یاد کردن نبود. یا در تفسیر آیه: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ»^۴ «یصلون» را در تفسیر ظاهری آن به صله رحم و پیوند خویشاوندی آن ارجاع می‌دهد و اما در ذیل روایت می‌فرماید: «و غایة تأویلها صلتك إيانا»^۵ و نهایت تأویل آیه، پیوند تو به امامت و ما اهل بیت است». در این، جالفظ، تحمّل معنای گسترده‌ای را دارد تا شامل اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بشود، اما این نهایت تأویل آیه است.

۱. در تفسیر روایات ضرب قرآن به قرآن در مقاله‌ای مستقل سخن گفته و مفاد این دسته از روایات رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام را نقل کرده‌ام.

۲. سوره انسان، آیه ۱. ۳. مسند الإمام الصادق، ج ۷، ص ۲۶۵.

۴. سوره رعد، آیه ۱۳۱. ۵. مسند الإمام الصادق، ج ۷، ص ۱۳۱.

نمونه دیگر در تأویل آیه: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ»^۱ است که حضرت به نقل از پدران خود می‌فرماید: «در عرش خدا، تمثال همه آفریده‌های دریایی و خشکی است و این معنا تأویل آیه است».^۲

البته موارد تأویل آیات به اهل بیت علیهم‌السلام فراوان است، مانند آنچه عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام به اسناد خود از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند درباره آیه: «وَأَلَّوْا اسْتَقَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»^۳ و اگر در راه درست پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم، حضرت این راه درست را، راه اولیای خدا و اوصیای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم می‌داند و بر این معنا تأویل می‌برد.^۴ هر چند ظاهر آیه درباره جن آمده و سخنان آنان درباره انسان‌ها و در حیات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم و در شهر مکه است.

۶. تعیین مصداق و مصادیق

یکی دیگر از گونه‌های تفسیر در این روایات، نشان دادن نمونه‌های عینی و بیرونی و در تطبیق با حقایق و اشاره‌های قرآنی است. در تفسیر، توجه به مصداق و آوردن نمونه، برای تصوّر ذهنی کامل از مفهوم استفاده می‌شود. نشان دادن مصداق، هم قلمرو معنا را تعیین می‌کند و هم به کلام عینیت می‌بخشد و از ابهام درمی‌آورد. در سخنان مردم گاهی از مفاهیم ارزشی سخن می‌رود، می‌گویند ایثار، و بعد به موردی در خارج اشاره می‌کنند که کاملاً مفهوم را نشان می‌دهد و مثلّ اعلاّی آن می‌شود: شهادت، تواضع و اخلاص. در این موارد، ذکر مثال‌ها به این معنا نیست که آن مفهوم در آن مثال خلاصه شده، امّا یادکرد مثال، در جلوه کردن آن ارزش، سهم بسزایی دارد. روایات بسیاری از امام صادق علیه‌السلام در نشان دادن مصداق یا مصادیق آیات رسیده و

۱. سورة حجر، آیه ۲۱.

۲. مسند الإمام الصادق، ج ۷، ص ۱۶۲، ح ۳۲؛ نورالقلین، ج ۳، ص ۷، ح ۱۹.

۳. سورة جن، آیه ۱۶. ۴. مسند الإمام الصادق، ج ۸، ص ۳۳.

گاه چنان تعبیر شده که گویا در انحصار همان مصداق است، با آن که مفهوم کلام کلی و شامل مصداق‌های فراوان است. به عنوان نمونه، طبرسی از امام صادق علیه السلام در ذیل آیه: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»^۱ نقل می‌کند: «آنها کسانی هستند که در هنگام نماز، تجارت و خرید و فروش خود را رها و به نماز مشغول می‌شوند».^۲ روشن است که «ذکر الله» مفهوم عام دارد و شامل مصداق‌های فراوان می‌گردد یا درباره آیه: «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ»^۳ امام می‌فرماید: «کسی که پس از رکوع نماز و تر هفتاد بار استغفار کند، از استغفارکنندگان در سحرها است».

اماگاهی مسأله از این بالاتر است و ذکر مصداق از قبیل جری و تطبیق است. یعنی کشاندن مفهوم به موضوعاتی است که به ظاهر از کلام استفاده نمی‌شود و آیه ظاهراً در موردی نازل شده که گویا تنها ناظر به آن حادثه است، ولی امام صادق علیه السلام گستره پیام را روشن می‌کند و تصوّر دیگری به مصداق می‌دهد. این که اهل بیت پیامبر علیهم السلام در سخنان خود از مفهوم به مصداق‌های گوناگون راهنمایی کرده‌اند، تردیدی نیست و در بررسی روایات این نکته به خوبی آشکار می‌شود. به عنوان نمونه در روایت فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام آمده است، نمی‌تواند آیه‌ای از قرآن باشد که برای آن افزون بر ظاهر، لایه‌ای دیگر نباشد، در نهایت برخی از آنها درباره اموری است که زمان آن گذشته و برخی از آنها درباره چیزهایی است که هنوز وقت آن فرا نرسیده است و مانند جریان خورشید در بستر حرکتش.^۴

در روایتی دیگر از آن حضرت در فلسفه جری و تطبیق آمده است: «وَلَوْ أَنَّ الْآيَةَ إِذَا نَزَلَتْ فِي قَوْمٍ ثُمَّ مَاتَ أَوْلَئِكَ الْقَوْمُ مَاتَتِ الْآيَةُ، لَمَا بَقِيَ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْءٌ»^۵ اگر آیه‌ای درباره

۱. سوره نور، آیه ۳۷.

۲. مسند الإمام صادق، ج ۷، ص ۳۲۲.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۷.

۴. محمد بن حسن الصفار، بصائر الدرجات، ص ۲۱۶.

۵. تفسیر عیاضی، ج ۱، ص ۸۵.

مردمی نازل شد و آنان مردند، دیگر جایی برای مصداق خارجی نداشته باشد، آیه، مرده است و در آن صورت، دیگر از قرآن چیزی باقی نمانده است».

به همین دلیل روایات بسیاری از امام صادق علیه السلام در جری و تطبیق، یعنی کشاندن مفهوم به موضوعات جدید عینی و نشان دادن مصداق‌های پدید آمده، رسیده است و گویی به مخاطب، این روش را تعلیم می‌دهند که خیلی به مصداق‌های کهنه و قدیمی خود را محدود نکنید، می‌توانید این مفاهیم را به عصر و زمان خود تطبیق دهید.

۷. تبیین معارف اعتقادی

از آن‌جا که یکی از جایگاه‌های اهل بیت علیهم السلام، مرزبانی از اعتقادات قرآنی و نظارت بر روند اندیشه دینی در جامعه مسلمانان بوده، یکی از گونه‌های تفسیری امام صادق علیه السلام، تبیین این معارف بلند در حوزه مسائل اعتقادی است. در این‌گونه از روایات، گاه دیده می‌شود با استناد به آیات، عقیده‌ای تصحیح و عقیده‌ای تبیین می‌شود. از این رو می‌توان مبارزه آن حضرت با مرجئه، قَدْرِیه، جبریه، اندیشه تشبیه و تجسیم و دیگر نحله‌های فکری را در روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام مشاهده کرد. معمولاً بیشتر این دسته از روایات، جنبه استنادی دارد تا پرده‌برداری و کشف معنا، هر چند در جاهایی که احتمالات گوناگونی در کلام مطرح است، مانند آنچه امام علیه السلام در آیه «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ»^۱ در توضیح کرسی می‌فرماید، مراد از آن علم پروردگار است که بر آسمان‌ها و زمین سیطره دارد.^۲ و در تفسیر «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ»^۳ درباره محو و اثبات الهی که چه چیزی را از بین می‌برد و چه چیزی را بر جای می‌گذارد، حضرت می‌فرماید: «و هل يمحو الله إلا ما كان و هل يثبت إلا ما لم يكن»^۴ آیا جز آنچه

۱. سورة بقره، آیه ۲۵۵.

۲. التوحید صدوق، ص ۳۲۷، باب ۵۲: مسند الإمام الصادق، ج ۶، ص ۳۴۶.

۳. سورة رعد، آیه ۳۹. ۴. التوحید، ص ۳۳۳.

ثابت بوده، محو می شود؟ و آیا جز آنچه نبوده، اثبات می شود؟». در این باره کافی است که به کتاب التوحید صدوق مراجعه گردد تا معلوم شود که حجم این دسته از روایات چه بسیار است.

۸. توجّه به پیام و اهداف تربیتی و هدایتی

بی گمان نگرش قرآن به عنوان کتابی که هدایتگر است و مهم ترین پیام آن مسائل هدایتی و تربیتی است که از آن بینش جامع و کامل و سازنده استفاده می شود، بینشی که روح حرکت و مسئولیت و ایجاد هویت مستقل معنوی برمی آید. این جهت تفسیری در عهد بنی امیه و بنی عباس مغفول مانده بود و حتی با طرح مباحث حاشیه ای چون تأکید فراوان به قرائت و وجوه ادبی و قصه پردازی اسرائیلی فضای گرایش به قرآن منحرف شده بود. یکی از گام های مهم اهل بیت علیهم السلام تأکید بر هدفمندی نزول قرآن و اولویت دادن به طرح مسائل اخلاقی و تربیتی و پررنگ کردن ابعاد هدایتی قرآن بود. امام صادق علیه السلام که فرصتی پیدا کرده بود تا بتواند ناگفته ها را بگویند، در تفسیر آیات، هدف اصلی قرآن را در جهت ساختن شخصیت روحی مخاطبان خود بیان می کنند و با طرح مباحث اخلاقی و تطبیق آن به قرآن و یا برجسته کردن این نکات، فضای دیگری از مسائل سیر و سلوکی و عرفانی به وجود آوردند. اگر استناد روایات ابو عبدالرحمن سلمی را در حقایق التفسیر به امام صادق علیه السلام را تردید کنیم، اما وجود صحیفه الرضا منقول از امام صادق علیه السلام در کتاب عیون اخبار الرضا شیخ صدوق را نمی توانیم انکار کنیم. همچنین حجم انبوهی از روایاتی که در همین کتاب مسند الإمام الصادق رسیده و توجّه به پیام و اهداف تربیتی و هدایتی را نشان می دهد، و افزون بر تفسیر کلمه، نکته های پیام و آموزه های آن را شرح می دهد. به عنوان نمونه حضرت در ذیل آیه شریفه: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا

فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ^۱ بحثی درباره جایگاه دنیا و چگونگی استفاده از آن را مطرح می‌کند و در حال گریه می‌فرماید: «ذهب والله الأمانی عند هذه الآیة وفاز والله الأبرار؛^۲ به خدا سوگند آرزوها و آمال با این آیه از بین رفته است. به خدا نیکان سعادت‌مند شدند». آن‌گاه حضرت بالحنی تربیتی و عرفانی نکات آیه را بیان می‌کنند و قلمرو زهد از دنیا را شرح می‌دهند و در پایان به مهم‌ترین فراز آیه: «عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» اشاره و بزرگ‌ترین آفت انسان در دنیا، یعنی قدرت‌طلبی و زنجارگی اشاره می‌کنند و بر این جمله تطبیق می‌دهند.

نمونه دیگر، شرح آیه «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا»^۳ که امام علیه السلام به مقایسه حمار با انسانی که می‌داند و عمل نمی‌کند، می‌پردازد و در پایان به نقل از امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «يا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُّ امْرِئٍ مَلَقَ فِي فِرَارِهِ مَا مِنْهُ يَفِرُّ وَالْأَجَلَ مَسَاقُ النَّفْسِ إِلَيْهِ وَالْهَرَبُ مِنْهُ مُوَافَاتُهُ؛ ای مردم، هر کسی از آن چیز که می‌گریزد، به سر و قتش می‌آید و اجل به سوی او سوق داده می‌شود و فرار کردن از آن رسیدن به آن است».

۹. توضیح قصص قرآن

بخش گسترده‌ای از آیات قرآن را قصه‌های اقوام پیشین و زندگی پیامبران الهی تشکیل می‌دهد و در آن مفهوم و اهداف و فلسفه تکرارها و توضیح و تفصیل داستان‌ها و مرزبندی اخبار صحیح از غیر صحیح از سوی امام صادق علیه السلام مطرح شده است. آن حضرت در موارد بسیاری ضمن تبیین قصص قرآن اشاره به نکته‌ها و تفسیرهای ویژه‌ای کرده و به‌طور محسوس در بیان اهداف قصه و توضیح و تفصیل

۱. سوره قصص، آیه ۸۳.

۲. مستند الإمام الصادق، ج ۷، ص ۳۵۱.

۳. سوره جمعه، آیه ۵.

آن داستان‌ها پرداخته و برای تکمیل صورت و جهت حوادث، گاهی با عنایت به واژه‌ای، این آیات را شرح می‌دهند، اما اغلب در تفصیل وقایع در پی ذکر جزئیات و توصیف حال شخصیت‌های داستان، به دنبال ترویج پیام و ذکر هدف داستان برای ترویج حق یا تأیید اصول اعتقادی و گاهی تطبیق آن با شرایط و احوال مسلمانان است.

تفصیل و توضیح در این روایات امام صادق علیه السلام، گاهی در قالب گفتگو و زمانی در قالب رفع ابهام و هشدار نسبت به آیندگان و تکرار حوادث و ضرب المثل و تطبیق با مسلمانانی است که حیات پیامبر اسلام را تجربه کرده‌اند و هم‌اکنون حوادث بنی اسرائیل، یعقوب و یوسف، موسی و هارون با فرعون تکرار می‌شود.

به عنوان نمونه محمد بن قاسم از امام صادق علیه السلام به مناسبت تفسیر آیه ۵۳ سوره حجر به گفتگوی ساره با ابراهیم و نداشتن فرزند اشاره می‌کند و درخواست آنان از خداوند و زمان استجابت دعا و فاصله میان به دنیا آمدن اسحاق و یعقوب را اشاره می‌کند.^۱ و این شیوه در داستان موسی و خضر،^۲ قصه ذی القرنین،^۳ و قصص دیگر در ابعاد مختلف دیده می‌شود.

۱۰. توجه به لایه‌های باطنی

راهیابی به معانی باطنی و شناخت گستره ابعاد پیام در لایه‌های زیرین کلام، یکی دیگر از گونه‌های تفسیری امام صادق علیه السلام است.

اشاره به بطن، نوعی اهتمام برای برگرداندن ظاهر به چیزی است که به نظر اهل بیت علیهم السلام بخشی از مقصود کلام و لایه دیگری از مراد گوینده است. گرایش به باطن،

۱. مستد الامام الصادق، ج ۷، ص ۱۶۰.

۲. همان، ص ۲۳۳.

۳. همان، ص ۲۳۹.

ریشه در خود قرآن دارد و وجود آن در روایات بسیاری تأکیده شده است.^۱ و در جاهایی دیگر مانند حقایق هستی و بیان احکام آمده است.^۲ در روایات اهل بیت علیهم السلام باطن عمدتاً در برابر تنزیل و تفسیر استعمال شده و از این جهت وجود متمایزی دارد و معنایی جز ظاهر آیه و تنزیل آن قصد کرده اند، یعنی باطن، ناظر به سبب نزول و از مقوله توضیح مفاهیم و مدلول و شرح کلام نیست. مثلاً در آن جا که امام صادق علیه السلام طبیعت و اشیای خارجی را بر علم و انسان تطبیق می دهد و در آیه شریفه: ﴿شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَنُهُ﴾^۳ آن را به «العلم الذی یخرج منّا إلیکم»، معنا می کنند، و غسل را به علم بر می گردانند، لایه ای دیگر از کلام حق را نشان می دهند.^۴

در تفسیر آیه: ﴿لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ﴾^۵ که درباره انجام دادن مناسک حج و به جا آوردن نظافت و ناخن گرفتن، کوتاه کردن شارب ها و وفای به نذر آمده و در فقه این امور یادآوری شده است، امام صادق علیه السلام، طبق روایاتی آن را به لقای امام تفسیر می کند و می گویند: مراد ملاقات با امام پس از تهذیب و سیر و سلوک و زدودن ارجاس و اخبارات معنوی است.^۶ با آن که در روایتی دیگر به همان معانی ظاهری و ذکر برخی مصادیق آن اشاره شده است.^۷

و در روایتی دیگر در پاسخ به پرسش محمد بن سنان که آن معنا چگونه است، می فرمایند: إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَاهِرًا وَبَاطِنًا.^۸

از این روایات در این مسند و مجامع روایی بسیار است و بخش عظیمی از

۱. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۳۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۹۰-۹۵؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۵۵۰.

۲. سوره انعام، آیه ۱۲۰ و ۱۵۱؛ سوره لقمان، آیه ۲۰؛ سوره حدید، آیه ۳.

۳. سوره نحل، آیه ۶۹.

۴. تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۴۶۲، ذیل آیه، به نقل از تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۹.

۵. سوره حج، آیه ۲۹.

۶. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۴۰.

۷. مسند الإمام الصادق، ج ۷، ص ۲۹۹.

۸. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۴۰.

روایات اهل بیت علیهم‌السلام و امام صادق علیه‌السلام تفسیر امور طبیعت^۱ مانند آب و آسمان، سایه، بهشت و جهنم به معانی خاص اشاره دارد. حتی می‌توان آن را در مورد اشخاص بویژه اهل بیت علیهم‌السلام و دشمنان و مخالفان آنان دید. شیوهٔ آنان در بیان باطن و برگرداندن آیات به فضایل اهل بیت علیهم‌السلام شیوهٔ اقتباسی و استنادی دارد و اگر به این دلیل که در کتب اصلی شیعه کمتر ذکر شده - هر چند برخی از این روایات در کتاب‌هایی چون کافی نقل شده - اما حجم انبوه آنها را نمی‌توان انکار کرد و اگر در گروهی از این روایات به دلیل ضعف سند تردید شود، اما عده‌ای از آنها را نمی‌توان انکار کرد.

البته ممکن است بگوییم بیان باطن، نوعی تأویل است، اما نمی‌توان تردید کرد، که در روایات باطن و تأویل هر دو به کار رفته است، که شاید در جاهایی با هم انطباق داشته باشد.

این بود خلاصه‌ای از گونه‌های تفسیری امام صادق علیه‌السلام براساس مسند، که البته گونه‌های دیگری می‌توان از روایات امام صادق علیه‌السلام برشمرد و ذکر این نمونه‌ها به عنوان نمونه‌های انحصاری نیست، چنان‌که دربارهٔ شیوه و روش تفسیری و ویژگی‌های آن، فرصت دیگری می‌طلبد که این نوشته مجال آن را ندارد.

۱. در این باره ر.ک: ایازی، سید محمدعلی، قرآن و اهل بیت، ص ۱۸۱.

کتاب‌نامه

۱. اعجاز بیانی قرآن، عایشه بنت الشاطی، ترجمه حسین صابری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۲. الاتقان فی علوم القرآن، جلال‌الدین سیوطی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، انتشارات رضی، چاپ اول، ۱۳۸۲ش، ۲ج.
۳. الاعجاز البیانی ومسائل ابن ازرق، عایشه بنت الشاطی، قاهره، دارالمعارف بمصر، ۱۹۷۱م.
۴. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دارالوفاء، ۱۴۰۰ق، ۱۱۱ج.
۵. البرهان فی تفسیر القرآن، هاشم بن سلیمان بحرانی، مؤسسة الاعلمی، مقدمه مرآة الانوار، چاپ اول، ۱۴۱۹ق، ۸ج.
۶. بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، تحقیق میرزا محسن کوجه باغی، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۷. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ق، ۲ج.
۸. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، قم، مؤسسة بعثت، چاپ اول، ۱۴۲۱ق، ۳ج.
۹. تفسیر قرآنی به زبان عرفانی، پل نویا، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۱۰. تفسیر مجمع البیان، تحقیق رسولی محلاتی، افست از چاپ اسلامیة ایران.
۱۱. توحید، محمد بن علی بن بابویه صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، افست از نشر صدوق.
۱۲. حقائق التفسیر، محمد بن حسین سلمی، تحقیق سید عمران، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

۱۳. دانش نامه جهان اسلام، تهران، مؤسسه دائرة المعارف اسلامی، (تاکنون ۱۳۸۵-ج۹).
۱۴. دعائم الاسلام، تحقیق عارف تامر، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۱۶ق، ۲ج.
۱۵. صحیح بخاری، ابو عبیدالله بخاری، بیروت، دارالمعرفة، با حاشیه سندی، افسست از چاپ بولاق، بی تا، ۴ج.
۱۶. فرهنگ معین، محمد معین، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۸ش.
۱۷. قرآن و اهل بیت، سید محمد علی ایازی، آماده چاپ.
۱۸. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة.
۱۹. کتاب ماه دین، شماره ۷۰-۷۱.
۲۰. کنز العمال، علاء الدین متقی هندی، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۳۹۹ق.
۲۱. مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی، نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۹ش.
۲۲. المحاسن احمد بن محمد برقی، تحقیق مهدی الرجائی قم، المجمع العالمی لاهل البيت (علیه السلام)، ۱۳۷۱ش، ۲ج.
۲۳. مسند الإمام الصادق (علیه السلام)، عزیزالله عطار دی، تهران: عطار د، چاپ اول، ۱۳۸۴، وزیری.
۲۴. معانی الأخبار، صدوق، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، مؤسسه دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۳۹۹ق-۱۹۷۹ق.
۲۵. معجم غریب القرآن المستخرج من صحیح البخاری، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دارالمعرفة، چاپ دوم، افسست از چاپ اول، ۱۹۵۰ق.
۲۶. مفردات الفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۷. مکتب تفسیر اشاری، سلیمان آتش، ترجمه توفیق سبحانی، تهران، دفتر نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰ش.
۲۸. نور الثقلین، علی بن جمعه حویزی، قم، مطبعة حکمت، چاپ اول، ۱۳۸۲ق.